

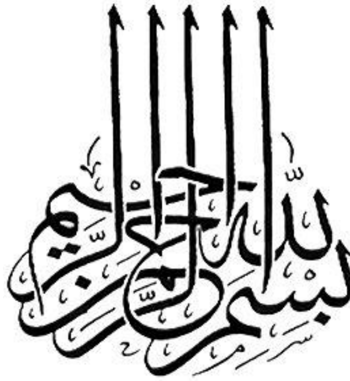
کنگره بین المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی

تحت اشراف حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی مدظله

نقش شیعه در علوم ادبی

به کوشش حسین شیرافکن و جمعی از محققان

زیر نظر کمیته علوم ادبی



کنگره بین المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی

نام کتاب...نقش شیعه در علوم ادبی

نویسنده..حسین شیرافکن و جمعی از محققان

ناشر................................قم ـ انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)

تاریخ...۱۳۹۷ ش

۱۰ـ نقش عالمان شیعه در پیدایش و گسترش علم عروض

محمد عشایری منفرد[1]

عبدالخالق فیاض براتی[2]

چکیده

از گردش و کاوش در کتاب‌های تاریخیِ گذشته و حال این مطلب قابل استنباط است که دانش عروض به معنی میزان الشعر، در تمدن اسلامی به وجود آمد، و عالمان شیعی مانند خلیل بن احمد، مبتکر و کامل کننده و اخفش اوسط و ابوعثمان مازنی و صاحب بن عباد و عثمان بن جنی، از گسترش دهندگان و تثبیت کنندگان آن است. در این میان برخی مانند ابن فارس و ابوریحان بیرونی از قدما و عالم معاصر صفا خلوصی، معتقدند که علم عروض، منشأ یونانی و هندی و یا عرب جاهلی دارد. در این مختصر به نظریات مخالف و موافق و ادله‌ی هرکدام چه در تشیع عالمان یاد شده و چه در اصالت علم عروض پرداخته شده و این نتیجه به دست آمده که عروض پیش از اسلام به صورت یک دانش مطرح نبوده، و خلیل بن احمد مبتکر این علم، و دیگر عالمان شیعی توسعه دهنده آن هستند. روش تحقیق در این مقاله توصیفی ـ تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: شیعه، نقش عالمان، علم عروض، ادوار علم عروض، تثبیت علم عروض.

۱. عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمیه، m.ashaiery@gmail.com

۲. دانشجوی سطح چهار حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول).

مقدمه

در میان علوم ادب عرب، یعنی علومی که با زبـان و کلمـات عربـی مـرتبط اسـت، علـم عروض از وضع و پیدایش خاصی بر خور دار است. فنون دیگری مرتبط با ادبیـات عربـی مانند علم لغت، علم صرف، علم نحو، علم بلاغت و...؛ از ابتدای پیدایش تا رسیدن بـه درجه کمال، راه‌های پر پیچُ خمی را با کوشش و نقد و ابرام دانشمندان این فنون، با سوابق نسبتا روشن در قرن‌های متمادی پیموده است؛ اما فن عـروض، بـدون هـیچ سـابقه‌ی در زبان و ادبیات عربی، یکباره توسط دانشمندی اختراع گردید و مقبولیت عام پیدا کـرد، بـه طوری که از ابتدای پیدایش تا بـه امـروز هـیچ کسـی در اسـاس آن دخـل و تصـرفی روا نداشته و هم چنان مقبول و متقن و در عین حال مورد اغفال واقع شده و بدون پلایش باقی مانده است. مرحوم ایت الله سید حسن صدر(م ١٣٥٤ق) در کتاب گرانسـنگ «تاسـیس الشیعة لعلوم الاسلام» در بحث متقدمین شیعه در علم عروض، حدود ١٤ عـالم شـیعه را به عنوان پیشگامان در تاسیس علم عروض و هم چنین در کتاب «الشیعة و فنون الاسلام» که تلخیص کتاب «تاسیس الشیعه» می‌باشد، به صورت مختصر و فهرست‌وار از عالمان شیعی، نام می‌برد که خلیل بن احمد به عنوان مؤسس و ابوعثمـان مـازنی و صـاحب بـن عباد و ابن جنی و دیگران را به عنوان مؤلفین در علم عروض معرفی کرده است.

هرچند در کتابهای قبلی این مطالب اشاره شد است، ولـی هنـوز سـوالهای مهمـی بـاقی مانده است. مثلاً از برخی عالمان شیعی مانند اخفش اوسط که بر اوزان اختراعـی خلیـل یک بحر را افزوده است، هیچ سخنی به میان نیامده است. رونـد پیـدایش و تطـور دانـش عروض، به صورت واضح مورد مطالعه قرار نگرفته است و نقـش عالمـان شـیعی در ایـن روند، مجهول مانده است و اقوال مخالف و موافق در این رابطه مـورد پـالایش و ابطـال و نقد نظر واقع نشده است.

تحقیق حاضر تلاش دارد که در قالب دو فصل، تحت عنـوان مفـاهیم و ادوار تطـور علـم

عروض، به معرفی عالمان شیعی مرتبط با موضوع، و دوره‌های پیدایش، گسترش، تثبیت، و نقش عالمان امامیه در هردوه و در نهایت با اشاره به نتایج حاصله، برای مجهـولات یـاد شده پاسخی بیابد.

الف) مفهوم‌شناسی

۱ـ مفهوم عروض

عروض بر وزن فعول به معنی مفعول، در لغت به معناهای مختلفی مانند ناحیه و قِسم، راه دشوار کوهستانی، محتوی و معنای کلام، مکه و مدینه، شتر سرکش، اوزان شعری، جـزء اخیر از نصف اول بیت و...، استعمال شده است.[۱] اما آنچه که از تعبیرها و تعریـف‌هـای اهل فن حاصل می‌شود، این است کـه علـم عـروض(علم اوزان شـعر یـا میـزان الشـعر) مشتمل بر تعریف، موضوع، مسائل، قواعد و اصولی است کـه خلیـل یـن احمـد(۱۰۰-۱۷۵ق) یکـی از پیشـوایان لغـت و ادب عربـی در قـرن دوم هجـری آن را اختـراع نمـود. صاحب بن عباد متخصص این فن در تعریف آن می‌گوید: عروض معیـار سـنجش شـعر است که به سبب آن، شعر خوب و بهنجار از شعر ناهنجار شناخته می‌شود.[۲]

از این تعریف، به دست می‌اید که موضوع و غرض علم عروض، شناخت اوزان شعری از حیث صحت و سقیم است. و در وجه تمسیه‌ی ان وجوهی مختلفی گفته شده، کـه در ان میان، همنامی به مکه مکرمه، و میزان عرضه‌ی شعر، صحیح‌تر به نظر می‌رسد.[۳] و مسائل علم عروض اوزان و تفاعیل عروضی است که عبـارت اسـت از حرکت‌هـا و سـکون‌های

---

۱. فیروزآبادی، القاموس المحیط، ج۲، ص۵۱۰.

۲.«العروض میزان الشعر، به یعرف مکسوره من موزونه...»؛ ر.ک: ابن جنی، مختصر العروض و القافیه، ص۳۷؛ خطیب تبریزی، الوافی فی العروض والقوافی، ص۲۹؛ نگری الاحمد، جامع العلوم، ج۲، ص۳۱۸؛ فرید وجدی، دایرة المعاریف قرن بیست، ج٦، ص۳٤۲؛ صاحب بن عباد، الاقناع فی العروض و تخریج القوافی، ص۳.

۳ ر.ک. قفطی انباه الرواة علی أنباه النحاة، ج ۱، ص۳۷۷.

پیاپیِ که بیان کننده بحور ۱٦ گانه کلمات موزون است؛ و این اوزان و تفاعیل مبتنی بر سه قاعده (اسباب، اوتاد، فواصل)است، همانطور که ابن جنی بیان داشته: تمام اوزان شعر عرب بر سه چیز استوار است که عبارت است از(سبب، وتد، فاصله).[۱] هریک از این سه بناء بر دو قسم است که شش قسم حاصل می‌شود؛ به این صورت که سبب یا خفیف است، یا ثقیل است؛ وَتِد یا مجموع است یا مفروق است و فاصله یا صغری است و یا کبری است.[۲] تفصیل مباحث را باید از کتب مطول جست.

۳ـ عالمان امامیه

مقصود از عالمان امامیه، عالمان شیعی است که در موضوع مورد بحث، دارای نقش و اثر باشند. در این رساله به معرفی پنج نفر از انها که دارای اثرگذاری بیشتر بوده است پرداخته می‌شود.

ب) مهم‌ترین علمای شیعه تأثیرگذار در علم عروض

۱ـ خلیل بن احمد

شرح حال خلیل

خلیل بن احمد بن عمرو بن تمیم، با کنیه‌های ابو عبدالرحمن و ابو الصفا، با لقب‌های: الفراهیدی، الیحمدی، الازدی، البصری، اللغوی، العروضی، النحوی، العتکی، المعجمی، مشهور و معروف است که هریک بیانگرخصوصیاتِ وی، است.[۳]

تشیع خلیل

---

۱ «و شعرالعرب کله مبنی من سببٍ و وتِدٍ و فاصلهٍ»؛ ابن جنی، مختصر العروض و القافیه، ص۳۷.

۲ برای تفصیل بیشتر ر.ک. کتب مفصله از جمله: فرید وجدی، دایرة المعاریف قرن بیست، ج٦، ص۳٤۲.

۳ ر.ک: فراهیدی، العین، ج۱، ص۱۹۵-۲۳۸؛ ج٤، ص۱۲۵؛ ج۷، ص۳۷۸؛ دهخدا، لغت نامه، ج، ص۲۲؛ ج۵، ص۱۹۷۱-۱۹۷۵؛ ابن منظور، لسان العرب ج۳، ص۳۱٦؛ ج۱۰، ص۲۵٤؛ جوهري، الصحاح فی اللغة، ج، ص٤۳۹، شوقی ضیف، المدارس النحویه، ص۳۰؛ ر.ک: مقاله نقش ادیبان شیعه در پیدایش و گسترش علم عروض، از مجموعه آثار کنگره بین‌المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی.

در مذهب اعتقادی خلیل بن احمد، اختلاف نظر وجـود دارد، اکثـر تـذکره نویسـان او را شیعه امامی می‌دانند، برای اطلاع از نظرات علماء در باره تشیع وی به مقاله زیـر مراجعـه شود.[1]

نوآوری‌های خلیل

خلیل بن احمد، نه تنها مخترع علم عروض است،[2] بلکه فنون دیگری نیـزماننـد: قاعـده حساب، قاعده شکل،[3] علم معاجم، علم موسقی، انقسام و انحصـار بحـور شـعری را در ۱۵ بحر و انقسام و انحصار دوایر شعری را در ۵ دایره،[4] جمع اوری حروف معجـم را در یک بیت از ابتکارات او شمرده شده است.[5]

۲ـ اخفش اوسط

شرح حال اخفش

در میان عالمان گذشته و بالاخص در قرن دوم تا هفتم، افـراد زیـادی موسـوم بـه اخفـش بوده‌اند اما در بین همه سه نفر معروف‌تر است، اخفش اکبر، اخفش اوسط، اخفش اصغر که مورد نظر این سطور اخفش اوسط است. نام او سعید بن مسعدهٔ، ملقـب بـه نحـوی، بصری، مجاشعی و مکنی به ابو الحسن و معروف به اخفش اوسط، اهل بلخ و بنا بر قولی اهل خوارزم، عالم‌ترین مردم به علم کلام، وحاذق‌ترین مردم به جدل و غلام ابـی شـمر و از شاگردان سیبویه در نحو است.[6] او از مشـهور نحـویین بصـره اسـت.[1] از ائمـه نحـات

۱. ر.ک: مقاله نقش ادیبان شیعه در پیدایش و گسترش علم عروض، از مجموعه آثار کنگره بین‌المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی.

۲. حمیری، حورالعین،۱۲.

۳. امین، اعیان الشیعه، ج٦، ص ۳۳۹.

٤. صدوق، عیون الاخبار، ج۱، ص۳۱۷.

۵. فیض کاشانی، الوافی ج۱۳، ص۳۸۵.

٦. ابوطیب لغوی، مراتب النحویین، ص۸۰.

بصره، از موالیان بنی مجاشع بن دارم بن تمییم است.[2] تاریخ ولادت او مبهم است، ولـی با توجه به قراین موجود مانند تاریخ حیات این دانشمند و حیات معاصران او مانند سیبویه و دیگران، ولادت او در نیمه دوم قرن دوم بوده است.

ابو الحسن اخفش از حاذق ترین عالمان زمان خود مانند عیس بن عمر الثقفی(م ١٤٩ق) و ابو بشر عمروبن عثمان بن قنبر سیبویه (م١٨٠ق) در علم نحو؛ و ابوعبدالرحمن یـونس بن حبیب (م١٨٢ق) و معمربن المثنی التیمی (م٢١٩ق) و ابوزید سعید بن اوس بن ثابت انصاری(م ٢١٥ق) و دیگر عالمان، بهره برده است؛ و از کلبی و نخعی و هشام بـن عـروه حدیث نقل کرده است.[3]

اخفش اوسط بنابر حِس تعلیِم و تعلُّم که داشت، شـاگردان برجسـته‌ایماننـد ابوالحسـن علی بن حمزه کسایی(م ١٨٩ق). ابوزکریا یحی بن زیاد بـن عبداللـه معـروف بـه فـراء (م ٢٠٧ق). ابوعمر صالح بن اسحاق جرمی نحوی (م ٢٢٥ق). ابو عثمان بکربن محمد بن بقیۀ المازنی (م ٢٣٨ق) و... را به جامعه علمی ان زمان تربیت نمود.[4]

او در هنگام یادگیری و آموزش، از امور پژوهش نیز غفلت نورزید، بلکه دست به قلم برده و اثاری را از خود به یادگار گذاشت، کتاب‌های: الأوسط فی النحو. تفسیر معانی القـرآن. المقاییس فی النحو. الاشتقاق. الأربعة. العـروض. المسـائل الکبیـر. المسـائل الصـغیر. القوافی. الملوک. معانی الشعر. وقف التمام. الأصوات. الغنم والوانها وعلاجها وأسـبابها و...، از تالیفات او می‌باشد.[5]

تشیع اخفش

---

١. ابن ندیم، فهرست، ص٨٢.

٢. حموی، معجم الادبا، ج ١١، ص٢٢٤.

٣. سیوطی، بُغیۀ الوعاۀ، ج ٢، ص٥٩٠.

٤. همان.

٥ابن ندیم، الفهرست، ص٨٢؛ امین، اعیان الشیعه، ج ٧، ص٢٤.

راجع به مذهب اعتقادی اخفش اوسط، اکثر کتاب‌های شرح حال نویسان از ذکر مـذهب او ساکت‌اند تنها علی بن یوسف قفطی به نقل از ابوالعبـاس مبـرد از ابـو عثمـان مـازنی، اخفش را بر مذهب مولایش ابی شِمر مُرجِئِی، و به نقل از ابو حـاتم، اورا قَـدَری مسـلک قلمداد می‌کند.[1] جلال الدین سیوطی اورا را متعزلی می‌دانـد.[2] امـا سـید محمـد مهـدی بحرالعلوم در کتاب رجالی خود موسوم به «الفوائد الرجالیه ج ۵/۳» از او یاد می‌کند: کـه سید محسن امین معتقد است[3] که این یاد اوری، او مقتضی شیعه بودن اخفـش اسـت. و شیخ عبدالله مامقانی از او به عنوان یکی از راویـان شـیعه یـاد کـرده و او را جـزء ضـعفاء روات می‌شمارد.[4] از نقل بزرگان تشـیع اطمینـان نسـبی حاصـل می‌شـود کـه اخفـش از عالمان شیعی است. و خورشید عمر او، درسال‌های(۲۱۰، ۲۱۵، ۲۲۱) غـروب نمـود ه است.[5]

۳ـ ابو عثمان مازنی

شرح حال مازنی

بکر بن محمد بن حبیب و بنا بر قولی بکر بن محمد بن عدی بن حبیب بن بقیـة، بصـری نحوی معروف به مازنی، مکنی به ابو عثمان، منسوب به بنی مازن بن شـیبان، اهـل بصـره است.[6] از تاریخ ولادت وی اطلاعی کافی و وافی در دست نیسـت. مـازنی اولـین کسـی

---

۱. قفطی، إنباه الرواة، ج ۲، ص ۳۸.

۲. سیوطی، بغیة الوعاة، ج ۲، ص۵۹۰.

۳. امین، اعیان الشیعه، ج ۷، ص۲٤۸.

٤ .مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳۱، ص۲۸۸-۲۹۰.

۵. سیوطی، بغیة الوعاة ج ۲، ص۵۹۱؛ امین، اعیان الشیعه، ج ۷، ص۲٤۸؛ موسوی خوانساری، روضات الجنات، ج ۱، ص۵۱.

٦. فیروزابادی، البلغه، ص ۱۱؛ صدر(سید حسن)، تاسیس الشیعه، ص۷۱.

است که در علم صرف کتاب تدوین کرد.[1] شرح مفصل زندگی اورا می‌توان درکتاب ذیل مطالعه نمود.[2]

ابو عثمان مازنی، نزد عالمان عصر خویش، مانند ابو عبیده معمر بن مثنی بصری تمیمی(م۲۰۹ق)، ابو سعید عبدالملک بن قریب قیسی باهلی بصری معروف به اصمعی(م۲۱٦ق)، ابو زید سعید بن ثابت انصاری بصری (م۲۱۵ق)، در علوم لغهٔ و عربیهٔ تلمذ کرد.[3]

هم چنین نزد ابی عمر جرمی، محبوب بن الحسن، محمد بن سلام جمحی و ابی الحسن سعید بن مسعدهٔ اخفش اوسط، یعقوب بن اسحاق بن زید بن عبدالله بن ابی اسحاق حضرمی در علوم دیگر زانوی ادب زد.[4]

او بر اساس قاعده‌ای: «دیگران کاشتند ما چیدیم، حال نوبت ما است که برای دیگران بکاریم»، عالمانی مانند محمد بن یزید مبرد (۲۸۵ق)، ابو یعلی محمد بن ابی زرعه باهلی نحوی، ابو علی احمد بن جعفر دینوری، ابوالفضل بن محمد یزیدی، عبدالله بن ابی سعد وراق و دیگران را به مردم عصر خودش تربیت کرد.[5] و کتاب‌های مانند: «فی القران»، «فی علل النحو»، «تفاسیر کتاب سیبویه»، «ماتلحن فیه العامه»، «الالف واللام»، «العروض»، «القوافی»، «الدیباج فی جوامع کتاب سیبویه» و «التصریف» را از

---

۱ .همان/۱٤۱.

۲. ابوطیب لغوی، مراتب النحویین، ص۹۲؛ قفطی، انباه الرواهٔ، ج ۱، ص۲٤۸؛ ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۱، ص۱۸۳؛ ابن العماد، شذرات الذهب ج ۱۱۳/۲؛ حموی، معجم الادبا، ج ۷،ص۱۰۷؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۲،۵۷؛ مرزبانی، نور القبس، ص۲۲۰؛ حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص٤۱۲.

۳. فیروآبادی، البلغه، ص۱۱.

٤. امین، اعیان الشیعه، ج ۳، ص۵۹۵؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۳، ص۳۹۹.

۵. فیض کاشانی، الوافی، ج ۳، ص۳۹۹؛ امین، اعیان الشیعه ج ۳، ص۵۹٤.

خود به یادگار گذاشت.[1] و سالهای (۲٤۹، ۲٤۸، ۲۳٦) به عنوان سالروز وفات مازنی به ثبت رسیده است.[2]

تشیع ابو عثمان مازنی

راجع به مذهب ابو عثمان مازنی در کتب رجالی شیعه، سر نخ‌هایی وجود دارد، مثلا، ابی داود می‌گوید: « کان إمامیا و ثقة».[3] سید حسن صدر در باره‌ی او می‌نویسد: «الامامی الشیعی».[4] مرحوم نجاشی نیز آورده است: « ومن علماء الإمامیة أبو عثمان بکر بن محمد».[5] و دیگر عالمان شیعه مانند: علامه شوشتری،[6] شیخ عباس قمی،[7] سید محسن امین،[8] علامه حلی،[9] مجلسی، مامقانی،[10] از وی به عنوان عالم شیعی یاد کرده‌اند؛ بنابراین ابو عثمان مازنی شیعه است.

٤ـ صاحب بن عباد

شرح حال صاحب

نام او اسماعیل، کنیه ابوالقاسم ملقب به صاحب و کافی الکفاة، فرزند عباد بن عباس بن عباد بن احمد ادریس طالقانی اصفهانی که هردو (عباس و عباد) از بزرگان و سر شناسان

۱.حموی، معجم الادبا ج ۷، ص۱۲۲-۱۲۳؛ امین، اعیان الشیعه ج ۳، ص٥۹٦.

۲. ابن خلکان، وفیات، ج ۱، ص۲۸٦؛ سیوطی، بغیة الوعاة ج۱، ص٤٦۳؛ حموی، معجم الادبا، ج ۷، ص۱۰۸.

۳. ابن داوود، رجال ، ص٥۸.

٤. صدر (سید حسن) تاسیس الشیعه، ص۷۱.

٥. نجاشی، رجال النجاشی، ج ۱، ص۲۷۲.

٦. شوشتری، مجالس المومنین، ج ۱، ص٥٦۱.

۷. محدث قمی، الکنی و الالقاب، ج ۳، ص۱۳۱.

۸. امین، اعیان الشیعه، ج ۳، ص٥۹٤.

۹. حلی، خلاصة الاقوال، ص۸۱.

۱۰. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱۳، ص٤۲.

اصفهان بودند و منصب وزارت داشتند. صاحب، بنا بر اختلاف اقوال؛ در سال‌های (۳۲۰ یا ۳۲٤ یا ۳۲٦ هق) در طالقان قزوین یا دیلم، یا اصطخر فارس و یا اصفهان در خانه عباس بن عباد متولد شد.[۱] و تفصیل شرح حال صاحب بن عباد را در کتاب‌های رجالی و تاریخی، شیعه و سنی از جمله: حر عالمی،[۲] شیخ عباس قمی،[۳] صفدی،[٤] افندی،[٥] شریف رضی،[٦] ابن عماد حنبلی،[۷] شریف حسنی صنعانی، ابن خلکان،[۸] یاقوت حموی،[۹] سید محسن امین.[۱۰] سیوطی،[۱۱] قفطی،[۱۲] یافعی،[۱۳] سید حسن صدر،[۱٤] و دیگر منابع می‌توان مطالعه کرد.

صاحب، مراحل یاد گیری را نزد پدر «عباد بن عباس» اغاز کرد و در ادامه از اساتید مانند ابی الحسن احمد بن فارس لغوی، ابوالفضل محمد بن عمید[۱۵] و ابوالفضل عباس بن

۱. حموی، معجم الادبا، ج ٦، ص۱۷۱؛ امین، اعیان الشیعه، ج ۳،ص ۳۲۹.
۲. حر عاملی،امل الامل، ج ۲، ص۳٤.
۳. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص۱۲.
٤. صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۹، ص۱۲٥.
٥. افندی اصفهانی، ریاض العلما وحیاض الفضلا، ج ۱، ص۸٤.
٦. شریف رضی، دیوان اشعار، ج ۱، ص۲۸۰.
۷. ابن العماد، شذرات الذهب، ج ۳، ص۱۱۳.
۸. ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۱، ص۲۲۸.
۹. حموی، معجم الادبا، ج٦، ص۱۷۱.
۱۰. امین، اعیان الشیعه،ج ۳، ص۳۲۸.
۱۱. سیوطی، بغیۀ الوعاۀ، ج ۱، ص۱۹٦.
۱۲. قفطی، انباه الرواۀ، ج ۱، ص۲۰۱.
۱۳. یافعی، مرآۀ الجنان، ج ۲، ص٤۲۱.
۱٤. صدر(سید حسن)، تاسیس الشیعة، ص ۱٥۹.
۱٥ . یافعی، مرآۀ الجنان ج ۲، ص٤۲۱.

محمد نحوی؛ ابوسعید الحسن سیرافی[1] و عبدالله بن جعفر بن فارس[2] و ابوبکر بن مقسم، ابوبکر احمدبن کامل[3] و ابوعمرو صباغ؛[4] بهره گرفت. در عراق و ری و اصفهان تحصیل کرد، تا به درجات عالی رسید.

صاحب پس از شرکت در حلقه‌ی درس «ابن عمید» وزیر دانشمند شیعی و شهیر آل‌بویه؛ با شکوفاییِ نبوغ و استعداد که داشت به مقام نویسندگیِ وزارت رسید. کاردانی و توانایی صاحب در انجام این امور، راه پیشرفت را بر او هموار ساخت تا آنجا که به مقام دبیری و سپس به مقام وزیریِ مؤید الدوله فرزند رکن الدوله، ارتقا یافت.[5] و شاگردانی مانند: عبدالقاهرجرجانی، ابوبکر بن مقری، قاضی ابوطیب طبری، ابولافضل محمد بن ابراهیم نسوی شافعی، ابوبکر علی ذکوانی از خرمن علمی او کسب فیض نمودند.[6]

صاحب، در طول مدتی که در دربار آل‌بویه مشغول کارهای وزات بود، از تالیف و تصنیف نیز غافل نبود، بلکه انچه از تعلُم یا تجربه‌ی کاری بدست اورده بود، به صورت مکتوب برای ایندگان به یاد گار گذاشت که از معروف ترین انها است: «الکافی فی الرسائل الزیدیة»، «الاعیاد وفضائل النیروز»، «الإمامة» در فضیلت أمیرالمؤمنین علی بن أبی طالب۷، «الوزراء»، «الکشف عن مساوی شعر المتنبی»، «مختصر أسماء الله عز و جل وصفاته»،[7] «الاقناع فی العروض و تخریج القوافی»، «الابانة عن مذهب اهل العدل»، «التذکرة فی الاصول الخمسة»، «رسالهٔ فی احوال عبدالعظیم»، «رسالهٔ فی

---

۱. ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۱، ص۲۰۶؛ ابن العماد، شذرات الذهب، ج ۳، ص۱۱٤.

۲. ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۱، ص٤۱۳.

۳. حموی، معجم الادبا، ج ٦، ص۲۷۹.

٤. امین، اعیان الشیعه، ج ۱۱، ص۵۰۲.

۵. ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۱، ص۲۳۱؛ حموی، معجم الادبا، ج ٦، ص۱٦۸.

٦. امین ، اعیان الشیعه ج۳، ص ۳۵۱.

۷. ابن ندیم، الفهرست، ص۲۱۸.

الطب»، «رسالهٔ فی الهدایهٔ والضلالة»، «الروزنامجه»، «عنوان المعارف»، «المحیط فی اللغهٔ و ذکر الخلایف»، «الفرق بین الضاد والظاء»، «دیوان الاشعار»، «جوهرهٔ الجمهرهٔ» و... می‌باشد.[1]

صاحب بن عباد پس از ۵۹ سال عمر با برکت، در سال ۳۸۵ هـق، در شهر ری (شاه عبدالعظیم امروز) دعوت حق را لبیک گفت و جهان اسلام و بخصوص تشیع را درغم فقدان خود عزادار نمود.

تشیع صاحب

صاحب بن عباد شهرت همگانی دارد؛ اما برخی اورا معتزلی قلمداد می‌کند، کسانی که به تشیع صاحب بن عباد معتقد است به سخنان عالمان ذیل الذکر استناد نموده‌اند: حر عاملی می‌نویسد: «کان شیعیا امامیا أعجمیا».[2] عبدالله مامقانی اورده است «کان من الشیعهٔ الامامیهٔ، متصلبا فی التشیع».[3] شیخ صدوق می‌گوید«فصله وعلمه غنی عن التوصیف، لاشتهاره و کذا تشیعه....».[4] عالمان دیگر مانند: ثعالبی،[5] ابن شهر اشوب،[6] سید رضی،[7] سید محسن امین ،[8] محمد باقر مجلسی در مقدمه بحار الانوار، قاضی نورالله شوشتری،[9] خوانساری اصفهانی،[10] اغا بزرگ طهرانی در الذریعه، شیخ عباس قمی

۱.امین، اعیان الشیعه ج ۱۱، ص۴۲۷؛ امینی، الغدیر، ج ٤، ص٤١؛ ثعالبی، یتیمهٔ الدهر، ج ۳، ص۱۸۰.

۲. حر عاملی، امل الآمل، ج ۲، ص٣٤.

۳. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱۰، ص۱۲۸.

٤. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص۱۲.

۵. ثعالبی، یتیمهٔ الدهر، ج ۳، ص٢٤٨.

٦. ابن شهر آشوب، معالم العلما، ج ۱، ص۱۲۹.

۷. شریف رضی، دیوان اشعار، ج ۲۸۰/۱.

۸. امین، أعیان‌الشیعة، ج۳، ص۳۳۸.

۹. شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص٤٥١.

۱۰. موسوی خوانساری، روضات الجنات، ج ۲، ص٢٤-٢٧.

در تتمهٔ المنتهی، سید حسن صدر در تاسیس الشیعة و حتی ابن العماد حنبلی[1] شک و تردید در تشیع صاحب بن عباد را منتفی می‌دانند. هم چنین اشعاری که خود صاحب سروده است دلیل بر تشیع او است.

مثلا در جایی سروده است:

شفیع اسماعیل فی الاخرهٔ   محمد والعترهٔ الطاهرهٔ.[2]

شفیع اسماعیل در روز جزا محمد (ص) و عترت طاهره است.

در جای دیگری نیز چنین سروده است:

حب علی بن ابی طالب   هوالذی یهدی الی الجنهٔ

إن کان تفضیلی له بدعهٔ   فلعنهٔ الله علی السنهٔ [3]

دوستی علی بن ابی طالب است که راهنمای همگان بسوی بهشت است.

اگر اینکه من او را بر صحابه ترجیح میدهم بدعت است، پس نفرین خدا بر این سنت باد!

و نیز در جای دیگری گفته است:

فکم قد دعونی رافضیا لحبکم   فلم ینثنی عنکم طویل عوانهم.[4]

چه بسیار مرا بخاطر دوستی و محبت شما، رافضی خواندند، ولی زوزه هایشان مرا از ساحت شما برنتافت.

و نیز در جای دیگری گفته است:

لو شق عن قلبی یری وسطه   سطران قد خطا بلا کاتب[5]

العدل والتوحید فی جانبٍ   وحب اهل البیت فی جانبٍ

---

۱. ابن العماد، شذرات الذهب، ج ۳، ص۱۱۵.

۲. صاحب بن عباد، دیوان اشعار، ص۲۲.

۳. صاحب بن عباد، دیوان اشعار، ص۹۷.

٤. همو، ص۱۸۲.

۵. همو،ص۱۸٤

حب علی بن ابی طالب		فرض علی الشاهد والغائب[1]
اگر قلبم را بشکافند دو سطر خطی بدون نویسنده دیده می‌شود
عدل و توحید است در یکطرف و حب اهل بیت است در طرف دیگر
دوستی علی بن ابی طالب بر حاضر و غائب واجب است.
و در جای دیگری چنین سروده است:
ان المحبهٔ للوصی فریضهٔ		اعنی امیرالمومنین عل
قد کلف الله البریهٔ کلها		واختاره للمومنین ولیا.۲
دوستی جانشین پیامبر(ص) یعنی امیر مومنان علی(ع) فریضه قران است.
که خداوند بر عهده تمام جهانیان نهاده و او را به عنوان ولی برای مومنین برگزیده

۵ـ عثمان بن جنی

شرح حال

نام او عثمان ملقب به نحوی، لغوی، مکنی به ابوالفتح و معروف به ابن جنی است که بـه عالم برجسته‌ی علم صرف و نحو و لغت و ادب عربی توصیف شده است.[3] تاریخ ولادت ولادت او، در نزد اکثرعالمان تذکره نویس خیلی واضح و روشن نمی‌باشد. محمـد علـی نجار با توجه به سخنان، قاضی بن شهبه در کتاب «طبقات النحاهٔ» و ابی الفـدا در کتـاب «مختصرفی تاریخ البشر» سال ولادت او را سنه (۳۲۱-۳۲۲ق) تخمین زده‌اند؛ اما سـال (۳۲۲ق) بر اساس تحقیق «اللمع» اقرب به صواب شمرده شده است.[4]

ابن جنی در موصل زاده شد و در انجا رشد و نمو یافت. در اغاز جوانی در جامع موصـل، مشغول اموختن و اموزش بود که روزی در رویا رویـِ بـا ابـوعلی حسـن بـن احمـد بـن

---

۱. همان.

۲صاحب بن عباد، دیوان اشعار، **ص۳۰۱.**

۳. ابن جنی، اللمع فی العربیه، ص ٤.

٤ . ابن جنی، الخصایص، ص۹.

عبدالغفار فارسی فسوی (م ۳۷۷ ق) از جواب سؤال صرفی ابو علی، عاجز و ناتوان می‌ماند و این امر سبب آَشنایی و در نهایت به شاگردی چهل ساله و جانشینیِ او در مَسند تدریس در بغداد می‌انجامد.[۱] از حسب و نسب ابن جنی اطلاعات زیادی در دست نیست، تنها سخن که پدر او را معرفی می‌کند، این عبارت است: پدر او بردهٔ رومیِ سلیمان بن فهد اَزدی موصلی که نامش جِنی است.[۲] کلمه «جنی» را سیوطی معرب «کنی» به معنی کریم می‌داند.[۳] احمد امین کلمه «جنی» را معرب «جونا» به معنی فاضل و نجیب دانسته است.[٤] و مولف اعیان الشیعه آن را کلمه رومی به معنی بزرگ می‌داند.[٥] محمد علی نجار معتقد است: جنی به کسر جیم و تشدید نون، بمعنی کریم، نبیل، جید التفکیر و عبقری است.[٦] ابن جنی خود با دو قصیده ذیل نسب خود را معرفی نموده است:

فإن أصبح بلانسب فعلمی فی الوری نسبی على أنی أؤول إلی قرومٍ سادۀ نجب

قیاصرۀ إذا نطقوا أرم الدهر ذوالخطب أولاک دعا النبی لهم کفا شرفا دعاء النبی[۷]

ابن جنی از محضر عالمان بزرگ مانند: اخفش ثانی احمد بن محمد موصلی شافعی،[۸]

---

۱ یاقوت، معجم ج ۹۱/۱۲؛ ابن انباری، نزهۀ الالباء/۲۲۹؛ ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ٤۱۰/۲؛ سیوطی، بغیۀ الوعاۀ ج ۱۲۷/۲.

۲. ابن انباری، نزهۀ الالباء، ص۲۸۷.

۳. سیوطی، بغیۀ الوعاۀ، ج ۲، ص۱۲٦.

٤. امین(احمد)، ظهرالاسلام، ۱، ص٦۸.

٥. امین، اعیان الشیعه، ج ۸، ص۱۳۸.

٦. ابن جنی، الخصایص، ج ۱، ص۸.

۷.خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص۳۱۱؛ ابن انباری، نزهۀ الالباء، ص ۲۸۷.

۸. سیوطی، بغیۀ الوعاۀ، ج، ص۱۷۰.

ابوبکر جعفر بن محمد الحجاج، ابو صالح سلیل بن احمد بن عیس بن شیخ، ابوبکر محمد بن علی مراغی نحوی، ابوالحسن علی بن عمرو، ابوبکر محمدبن علی القاسم ذهبی، ابوالحسن علی بن وکیع، ابوبکر عطار محمد بن حسن بن یعقوب، ابوعلی فارسی، حسن بن احمد بن عبدالغفار فارسی فسوی،[۱] ابوبکر محمد الحسن معروف به ابن مقسِم، ابوالفرج اصبهانی صاحب الاغانی،[۲] احمد بن محمد بن موصلی شافعی، خالع عبدالله بن ابی اسحاق حضرمی،[۳] بهره جست.

او شاگردانِی مانند: ابوالقاسم عمربن ثابت ثمانینی نحوی (م۴۴۲ق)،[۴] ابوالحسن سمسمی (م ۴۱۵ق)، عبدالسلام بصری،[۵] علی بن یزید قاشانی(کاشانی)، ابوالحسن محمد بن عبدالله بن شاهویه، ابوعبدالله حسین بن احمد بن نصر(م ۳۸۴ق)، محمد احمد بن سهیل واسطی معروف بابن بشران (م ۴۶۲ق)، ابوالفتوح ثابت بن محمد جرجانی اندلسی نحوی(م۴۳۱ق)، محمدبن حسین معروف بابن وحشی،[۶] را به جامعه علمی زمان خودش تربیت نموده است.[۷]

تالیفاتی از او برجای مانده است که مشهورترین انها به قرار ذیل است: «الخصائص»، «سرصناعهٔ الاعراب»، «المنصف فی شرح تصریف المازنی»، «اللمع فی النحو»، «شرح المقصور والممدود»،[۸] «التعاقب فی العربیة»، «کتاب المعرب»، «کتاب التلقین»، کتاب

---

۱. ابن جنی، اللمع فی العربیة، ص ۸.

۲. ابن جنی، الخصایص، ص۱۲.

۳. همو، ص۱۰.

۴. ابن انباری، نزههٔ الالباء، ص۲۴۰.

۵. سیوطی، بغیهٔ الوعاهٔ، ج ۲، ص۲۶.

۶. ابن جنی، اللمع، ص۹.

۷ ر.ک. موسوی خوانساری، روضات الجنات، ج۵، ص۴۴۶، محدث قمی، الکنی و الالقاب، ج ۱، ص۳۰۶، امین، اعیان الشیعه، ج ۳۹، ص/۲۰۹.

۸. سیوطی، بغیهٔ الوعاهٔ، ج ۲، ص۱۲۷.

«التفسير لشرح ديوان أبى الطيب»، کتاب «الفصل بين الكلام الخاص والعام»، کتاب «العروض والقوافى»، کتاب «جمل أصول التصريف»، کتاب «الوقف والابتداء»، کتاب «الألفاظ من المهموز»، کتاب «المذكر والمؤنث»، کتاب «تفسير المراثى الثلاثة والقصيدة الرائية للشريف الراضى»، کتاب «معانی أبيات المتنبى»، کتاب «الفرق بين الكلام الخاص والعام».[1]

تشیع ابن جنی

در مذهب اعتقادی ابن جنی، اختلاف نظر است، برخی او را معتزلی و برخی دیگر شیعی قلمداد می‌کنند. عمده دلیل، قائلین به اعتزال، این است که ابن جنی به سه اصل اعتقادی معتزله قائل است: خداوند خالق افعال و اعمال بندگان نیست. بندگان دارای اراده و اختیارند و خود موجد فعل خویشند. خداوند بذاته عالم و قادر است و افزدون صفت به ذات او صواب نیست.[2]

ظاهرا این تفسیر از سخنان ابن جنی بخاطر سبب انتساب او به اعتزال گشته است، تشابه برخی از اصول اعتقادی شیعه و معتزله باشد. اما قراین متقن‌تری وجود دارد که دلالت بر تشیع او دارد مثل سخن ابن عماد حنبلی از اهل سنت که می‌نویسد: ابن جنی با دو تن از سلاطین ال بویه‌ی شیعی روابط مستحکم داشته، به طوری که در سال (۳۵۲ق) در روز عاشورا، معز الدوله بویهی را وا دار کرد تا بازار عراق تعطیل گردد و برای حسین بن علی عزاداری و نوحه سرای نمایند.[3] و از جهت دیگر، عالمان شیعه مانند: سید حسن صدر[4] و

---

۱ ر. ک. خطیب بغدادی، تارخ بغداد، ج ۱۱، ص۳۱۱؛صدر (سید حسن)، تاسیس الشیعه، ص ۱٤۲؛ امین، اعیان الشیعه، ج ۳۹، ص۲۰۹؛ ج ۸، ص ۱۳۸؛ ج ۵، ص۷؛ ابن ندیم، الفهرست، ص۱۳۸.

۲. ابن جنی، الخصایص، ج۱، ص٤۱-٤۳.

۳. ابن العماد، شذرات الذهب، ج ۳، ص۹.

٤. صدر(سید حسن)، تاسیس الشیعه، ص۱٤۲.

علامه تهرانی[1] و سید محسن امین[2] ابن جنی را از طبقات شریفین مرتضی و رضی و بلکه از اساتید شریفین و از شاگردان خاص ابو علی فارسی است و بر این اساس بر شیعه بودن ابن جنی تاکید دارند.[3]

ج) ادوار علم عروض و نقش عالمان شیعه در هر دوره

علم عروض از بدو تاسیس فراز و فرودهایی را سپری کرده است. این فراز و فرودها را می‌توان به ادوار سه گانه زیر دوره بندی کرد. دوره‌ی پیدایش، دوره‌ی گسترش، دوره‌ی تثبیت. منظور از پیدایش، همان دوره‌ی اختراع است، که خلیل بن احمد فراهیدی مخترع دانش عروض است و منظور از دوره‌ی گسترش، توسعه‌ی مسایل و یا قواعدی آن است، که اخفش اوسط با افزودن (بحر خبب یا متدارک)، بر بحور پانزده‌گانه‌ی عروضی خلیل، اوزان شعری را به شانزده بحر توسعه داده است. و منظور از دوره‌ی تثتیب، دوره‌ی تالیف و تصنیف است که سه مولف شیعی(ابو عثمان مازنی، صاحب بن عباد، عثمان بن جنی) با تالیفات شان در موضوع مورد نظر، در تثبیت علم عروض نقش قابل توجهی ایفا کرده‌اند.

۱ـ پیدایش علم عروض و نقش عالمان شیعه در آن

در چگونگی پیدایش علم عروض توسط خلیل دو وجه مهمتر به نظر می‌رسد: یکی اینکه خلیل بن احمد در مکه دعا کرد: خدایا علمی را روزیم کن که روزی گذشتگان نشده باشد و آینده گان از من یاد بگیرند.[4] دیگر اینکه او روزی بر بازار مسگران عبور می‌کرد، صوت‌های متناسب از چکش انها شنید و با خودش گفت در آهنگ این صوتها چیزهایی

---

۱. آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص۱٦٥.

۲. امین، اعیان الشیعه، ج ۸، ص۱۳۸.

۳ ر. ک. مدرس تبریزی، ریحانهٔ الادب، ج۷، ص٤٥٠. ابن جنی، اللمع، ص٤-٥.

٤ . ابوطیب لغوی، مراتب النحویین، ص٤٨، «اللهم ارزقنی علما لم یسبقنی الیه الاولون، ولا یاخذه إلا عنی الأخرون»

هست و سرانجام از آهنگ این صوتها مبادی علـم عـروض را اسـتخراج کـرد.[1] از جملـه وجوهی که درشـیوه‌ی اختـراع علـم عـروض گفتـه شـده اسـت عبـارت اسـت از: الهـام خداوندی.[2] آشنایی به دو علم نظم و ایقاع.[3] صدای موزون چکش مسـگران و یـا صـدای موزون چوب لباسشویان.[4]

۲ـ دیدگاه‌ها در بنیانگذاران علم عروض

بیشترین وقایع و شواهد تاریخی مؤید این مطلب است کـه تنهـا متبکـر «علـم عـروض» خلیل بن احمد است. قبل از او کسی در زبان عربـی قواعـدی اوزان شـعر نمـی‌دانسـته و کمترین سابقه‌ی در این باب وجود نداشته. با این وجود برخـی در اصـالت اختـراع علـم عروض توسط خلیل شک و تردید روا داشته‌اند، که در دو عنـوان ذیـل بـه اقـوال موافـق و مخالف و ادله‌ی هریک پرداخته می‌شود.[5]

یک) دیدگاه مشهور

مشهور عالمان براَن است که علم عروض یکباره توسط خلیل بن احمد عروضی، اختـراع شد؛ و این مطلب مورد تاید عالمان اسلامی در طول مـدت هفـت قـرن (از قـرن ۳–۱۰) می‌باشد.[6] نیز به اختراع علم عروض توسـط خلیـل، مهـر تاییـد زده‌انـد. و از معاصـرین،

---

۱. نگری الاحمد، جامع العلوم، ج ۲، ص۳۱۸.

۲. ابوطیب لغوی، مراتب النحویین، ص٤٨.

۳. سیوطی، بغیهٔ الوعاهٔ، ج۱، ص۵۳۹.

٤. ابن معتز، طبقات الشعرا، ص ۹٦.

۵. ر.ک: مقاله نقش ادیبان شیعه در پیدایش و گسترش علم عروض، از مجموعه آثار کنگره بین‌المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی.

٦. ر.ک: ابن السلام، الجمحی، طبقات فحول الشعر، ج ۱، ص؛ جاحظ، رسائل، ص ۲۱۸؛ ابن معتز، طبقات الشعراء، ص ۹۵؛ ابوطیب لغوی ، مراتب النحویین، ص۵۸؛ حمزه اصفهانی، التنبیه علی حدوث التصحیف، ص۱۲٤؛ ابو سعید سیرافی، اخبارالنحویین، ص۳۸؛ ازهری ، تهذیب اللغه، ج۱، ص۱۰؛ زبیدی، طبقات النحویین، ص ٤۳؛ ابن ندیم، الفهرست،ص ٦۷؛ ابن رشیق، العمده، ج ۱، ص۱۱٤؛ الشنترینی الاندلسی،

احمد امین و مستشرق المانی، کارل بروکلمان معتقد هستند که مبتکر و مخترع علم عروض خلیل بن احمد الفراهیدی است.[1]

دو) دیدگاه غیر مشهور

در برابر مشهور برخی از عالمان است که در اصالت ابتکار خلیل بن احمد، شبهه ایجاد کرده‌اند.

به عنوان نمونه ابن فارس لغوی (م ٣٩٦ هق) از عالمان قرن چهارم، معتقد است که در قرون اولیه، برخی از علوم مورد تعلیم و تعلم بوده و ترجمه و اصلاح و تحلیل صورت می‌گرفته است، و این قرینه است بر اینکه علم عروض در عصر جاهلی مورد توجه بوده است. مستند این سخن، داستان مشرکین عصر رسالت است،که پس از شنیدن ایاتی از قران، می‌گفتند: (قران شعر است)، ولید بن مغیرة، شعر بودن قران را انکار کرده و می‌گفت: من انچه را که حضرت محمد(ص) اورده، بر بحور شعر از جمله بحر رجز، دارد هزج دارد و...، عرضه کردم، در ان چیزی شبیه به بحور شعر نیافتم. این مطلب دلیل بر این است که علم عروض قبل از خلیل مطرح بوده است، زیرا مردم آن زمان، هزج و رجز و... را که از بحور شعریه است، می‌شناختند.[2]

سپس ابو ریحان بیرونی (م٤٤٠ق) از عالمان قرن پنجم در ذیل بحث از دو علم نحو و شعر؛ پس از تشبیه سرنوشت اختراع علم لغهٔ هندی به تطور علم نحو در عرب،

المعیار فی اوزان الاشعار، ص١٥؛ ابن انباری، نزهۀ الالباء، ص٤٦؛ ابویعقوب سکاکی، مفتاح العلوم، ص ٥١٨؛ حموی، معجم الادبا، ج ١١، ص٧٣؛ القفطی، انباه الرواۀ، ج ١، ص٣٤٢؛ ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ٢، ص٢٤٥؛ فیروز ابادی، القاموس المحیط، ج ١، ص٨٧٣؛ سیوطی، بغیۀ الوعاۀ، ج ١، ص٥٥٧؛ شوشتری، الجمعیۀ العلمیۀ الایرانیه للغۀ العربیۀ و ادابها (شماره ١٢ سال ١٣٨٨ش).

١. امین (احمد)، ضحی الاسلام، ج ٢،ص٢٩٠؛ بروکلمان، تاریخ الادب العربی، ج ٢، ص١٣١.

٢.ابن فارس لغوی، الصاحبی فی فقه اللغۀ العربیه، ص ١٧-١٨

می‌گوید: علم عروض از مبتکرات عالمان هند به نام‌های «پَنکلُ» و «چلتُ» بوده است.[1]

سه) نظریه مختار

از دقت در اقوال یاد شده، سخن مشهور مورد انتخاب این تحقیق است، زیرا سخنان ابن فارس، به وجوهی قابل مناقشه است: اولا بین شناخت انواع شعر، و وجود علم عروض تلازمی وجود ندارد. ثانیا در عصر جاهلی ترجمه و تحلیل رایج نبود. ثالثا شعرا ابتدا بر اساس ذوق و احساسات خدا دادی، شعر می‌گفت نه بر اساس قواعد علم عروض. رابعا مصدر علوم، انواع علوم، زمان علوم و لغۀ منقوله‌ی را که ابن فارس برای اموزش مردم ان زمان می‌ستاید معین نکرده، بنابر این سخن او نوعی ابهام. دارد.[2]

اما شبهه مورد نظر ابوریحان که مبتنی بر آن است بر اساس تشابهات احتمالی بین قواعد عروضی دو ملت (عرب و هند) استوار است، و صِرف تشابهات بین دو امر، ضرورتاً مثبت وصفی یکی بر دیگر نمی‌باشد، علاوه بر اینکه ابوریحان، آن را به صورت احتمال مطرح نموده‌اند، و امر احتمالی با امر متواتر[3] نمی‌تواند برابری نماید. و در باب سخن کمال ابراهیم باید گفت که این سخن از خلیل بن ابراهیم، گواهی این مطلب است که علم مورد اموزش آن پیر مرد، چنانکه در متن سخن او امده است همان «تنعیم» است که به نوعی از موسیقی کلام موزون حکایت می‌کند و ارتباط به دو علم (ایقاع و نظم) دارد؛ و درمطالب گذشته اشاره شد که از جمله اختراعات خلیل بن احمد (علم ایقاع و نظم) است، پس «تنعیم» نمی‌تواند همان علم عروض باشد. و سخن باقلانی نیز یارای مقابله با قول مشهور را ندارد، زیرا اولا مبتنی بر حکایت از ابی عمر غلام ثعلب، از ثعلب است، ثانیا کلمه«متر» را غیر عربی قلمداد می‌کند، در حال این کلمه عربی است. در نتیجه:

---

۱. بیرونی، تحقیق ما للهند، ص۹٦؛ ر.ک: مقاله نقش ادیبان شیعه در پیدایش و گسترش علم عروض، از مجموعه آثار کنگره بین‌¬المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی.

۲خلیفه شوشتری،۱۳۸۸هش/۱-۲۱.

۳. نصوصی که در صفحات پشین از عالمان شیعی و غیر شعی نقل شد.

براساس نصوص صریحه از اجماع عالمان در عصرهای مختلف، و با توجه به نص او کـه در باب تسمیه علم عروض گفته است:

علم الخلیل رحمهٔ الله علیه		سببه میل الوری لسیبویه

فخرج الامام یسعی للحرم		یسال رب البیت من فیض الکرم

فزاده علم العروض فانتشر		بین الوری فاقبلت له البشر[1]

مخترع علم عروض خلیل بن احمد است، و این مناقشات مطـرح شـده کـه صـرفا بـازگو کردن شبهات لفظی واصطلاحات بین امت‌ها هسـتند و شـبهات لفظـی اعتبـار علمـی را اثبات و نفی نمی‌کند؛ گرچه ممکن است، روزنه‌هایی را برای خلیل بـن احمـد بـا فـرض خیلی بعید که خلیل از انها اطلاع یافته باشد، باز می‌کند، امـا ایـن احتمـالات از اعتبـار علمی خلیل نمی‌کاهد. بنابر این خلیل بن احمد در این باب نقش مخترع علم عـروض را دارد.

٣ـ نقش عالمان امامیه در گسترش علم عروض

هرعلمی علی القاعده پس از اختراع رو به تکامل و توسعه می‌نهد، مسـائلی از آن ابطـال می‌شود، مسائلی هم به آن، افزوده می‌شود. اما علم عروض پس از خلیل مورد بی مهـری واقع شده، آن چنان که باید و شاید، به آن پرداخته نشده، لـذا از پیشـرفت و گسـترش بـاز مانده است، در عین حال تنها اخفش اوسط توانست با تالیف کتاب «العروض» یک بحر به نام «الخبب یا المتدارک» را بر بحور پانزده‌گانه خلیل بیافزاید.[2] کتاب مزبور در دسترس دسترس است.[3]

٤ـ نقش عالمان شیعه در تثبیت علم عروض

---

١. هاشمی، میزان الذهب، ص٣.

٢. ابن خلکان، وفیات الاعیان، ٢٤٤/٢.

٣. ر.ک: اخفش، کتاب العروض.

علم عروض پس از اخفش اوسط به همان نوشته‌های استاد و شاگرد (خلیل و اخفش) محصور ماند، و هیچ گونه دخل و تصرفی در خود ندید. تنها کار مهم در این زمینه در قرن‌های بعدی؛ این است که عالمان مانند ابو عثمان مازنی با تالیف کتاب« العروض والقوافی» و صاحب بن عباد با تصنیف کتاب «الاقناع فی العروض و تخریج القوافی» و عثمان بن جنی با تدوین کتاب «العروض والقوافی» توانستند، بر ثبات علم عروض کمک نمایند، و این فن با ارزش را از گردونه‌ی فراموشی نجات بدهند. از کتاب‌های یاد شده، دو کتاب «العروض» خلیل بن احمد، و ابو عثمان مازنی تنها در لایه‌های تصنیفات مولفین شرح حال نویس یافت می‌شود؛ اما دو کتاب، ابن جنی و صاحب بن عباد با سرشناسه‌های که بدان اشاره می‌شود در دسترس محققان قرار دارد:

آنچه تا اینجا گفته شد، راجع به علم عروض مطرح در زبان عربی بود؛ اما در عروض فارسی نیز عالمان شیعه داری نقش هستند، که بررسی آن فرصتی دیگر می‌طلبد. اما در این میان، نقش عالم شیعی ابو جعفر محمد بن محمد بن حسن توسی مشهور به خواجه نصیرالدین را نمی‌توان چشم پوشی کرد؛ زیرا او با توجه به اینکه حرفه‌ی اصلی او عروض وقافیه نبوده، اما با نوشتن کتاب«معیار الاشعار» که از کهن ترین کتاب‌ها در موضوع علم عروض و قافیه در شعر فاسی است، علم عروض را در زبان فارسی قاعده مند ساخت و خود در زمره‌ی بزرگان علم عروض قرار گرفت. این کتاب محتوی بر دو فن و ۲۰ فصل است که فن اول در علم عروض مشتمل بر ۱۰ فصل؛ و فن دوم در علم قافیه مشتمل بر ۱۰ فصل است.[1]

نتیجه‌گیری

از مطالب که تا اینجا بیان گردید نتایجی زیر بدست میاد بدست می‌اید.

---

۱. ر.ک: مقاله نقش ادیبان شیعه در پیدایش و گسترش علم عروض، از مجموعه آثار کنگره بین¬المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی.

الف- عالمانی که به معرفی انها پرداخته شد، تشیع ثابت است، گرچه در بعضی موارد با ابهاماتی رو برو است. ب- با بررسی اقوال موافق و مخالف و توجه به ادله‌ی انها، پیدایش و پایه گذاری علم عروض توسط خلیل بن احمد تقویت می‌شود. ج- علم عروض مراحل: پیدایش، توسعه و تثبیت را به خود دیده است، که در هردوره نقش عالمان شیعه مؤثر بوده است. مثلا در مرحله‌ی پیدایش نقش خلیل بن احمد انکار ناپذیر است، ودر مرحله‌ی توسعه نقش اخفش اوسط، با افزدون بحر متدارک، مخالفی ندارد. ودر مرحله‌ی تثبیت، عالمان شیعه مانند ابو عثمان مازنی، صاحب بن عباد، ابوالفتح بن جنی، با تالیفات و تصنیفات در موضوع مورد نظر نقش بی سزایی دارند.

منابع

۱. ابن العماد الحنبلی ابی الفلاح عبدالحی (م۱۰۸۹ق)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، طبعه جدیده، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.

۲. ابن المعتز ابی العباس عبدالله (م۲۹٦ق)، طبقات الشعرا، تحقیق: عبدالستار أحمد فراج، دارالمعارف بمصر، بی‌تا.

۳. ابن جنی، ابو الفتح عثمان(م۳۹۲ق) کتاب العروض، تحقیق: حُسنی عبدالجلیل یوسف، دار السلام للطاعۀ والنشر والتوزیع والترجمه.

٤. ابن جوزی ابی الفرج، عبدالرحمن بن علی بن محمد بن علی (م۵۹۲ق)، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، الطبعه الاولی، حیدر اباد دکن، ۱۳۵۸ هق.

۵. ابن حجرعسقلانی ابی الفضل احمد بن علی (م۸۵۲ق)، تهذیب التهذیب، چاپ حیدر اباد دکن، هند، ۱۳۲۵ هق.

٦. ابن حجه الحَموی ابی بکر علی بن عبدالله، (م۸۳۷ق)، خزانۀ الادب و غایۀ الارب، تحقیق: الدکتور کوکب دیاب، دار صادر، بیروت، الطبعه الاولی ۱٤۲۱ هق.

۷. ابن خلکان ابی العباس شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر(م٦۸۱ق)،

وفیات الاعیان و إنباء أبناء الزمان، تحقیق: الدکتور احسان عباس، دار صادر، بیروت، بی‌تا.

٨. ابن دُرید ابی بکر محمدبن الحسن (م٣٢١ق)، جمهرهٔ اللغه، تحقیق و مقدمه: دکتور رمزی منیر بعلبکی، دار العلم للملاین، الطبعه الاولی،١٩٨٧ م.

٩. ابن سیده، ابی الحسن علی بن اسماعیل بن سیده المُرسی،(م٤٥٨ق)، المُحکم والمحیط الاعظم، تحقیق: الدکتور عبدالحمید هنداوی، منشورات محمد علی بیضون دارالکتب العلمیه، بیروت- لبنان، الطبعه الاولی،١٤٢١ هق.

١٠. ابن شهر اشوب، محمدعلی مازندرانی سروی(م ٥٨٨ ق)، معالم العلما فی فهرست کتب الشیعه واسماء المصنفین منهم قدیما وحدیثا، تحقیق: موسسه ال البیت (ع) لاحیاء التراث، قم- ایران ١٣٨٩ ش.

١١. ابن صائغ، محمد بن حسن بن سِباع بن أبی بکر الجذامی، أبو عبد الله، شمس الدین(م٧٢٠ق)، اللمحة فی شرح الملحة، محقق: إبراهیم بن سالم الصاعدی، عمادة البحث العلمی بالجامعة الإسلامیة، المدینة المنورة، المملکة العربیة السعودیة، الطبعةالأولی،١٤٢٤ هق.

١٢. ابن عصفور، أبو الحسن علی بن مؤمن بن محمد، النحوی الحَضْرَمی الإشبیلی، (م٦٦٩ هق)، المُمتعُ فی التصریف، تحقیق: الشیخ احمد عزو عنایه و علی محمد مصطفی، ذوی القربی، الطبعه الاولی،١٣٩٢ هش.

١٣. ابن قاضی شهبه الاسدی الشافعی، تقی الدین (م٨٥١ هق)، تراجم طبقات النحاه وللغویین والمفسرین والفقها، تحقیق: الدکتور محسن غیاض، الدارالعربیه للموسوعات، بیروت-لبنان، الطبعهٔالاولی ، ١٤٢٨ هق.

١٤. ابن قاضی شهبه الاسدی الشافعی، تقی الدین (م٨٥١ هق)، طبقات النحاه وللغویین، تحقیق: الدکتور غیاض، مطبعهٔ النعمان - النجف الاشرف، بی‌تا.

۱۵. ابن قتیبه دِینوَری ابی محمد عبدالله بن مسلم (م۲۷٦ق)، عیون الاخبار، تحقیق: الدکتور محمد الاسکندرانی، دارالکتب العربی، بیروت - لبنان، الطبعه الخامسه، ١٤٢٣ هق.

۱٦. ابن قتیبه دِینوَری ابی محمد عبدالله بن مسلم(م۲۷٦ق)، المعارف، تحقیق: ثروه عکاشه، منشورات الشریف الرضی، قم، ایران، الطبعه الاولی ١٤١٥ هق.

۱۷. ابن مالک الطائی الجیانی أبو عبد الله، جمال الدین محمد بن عبد الله، (م٦٧٢ق)، إیجاز التعریف فی علم التصریف، محقق: محمد المهدی عبد الحی عمار سالم، عمادة البحث العلمی بالجامعة الإسلامیة، المدینة المنورة، المملکة العربیة السعودیة، الطبعةالأولی، ١٤٢٢ هق.

۱۸. ابن منظور الافریقی المصری، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم (م۷۱۱ق)؛ لسان العرب، تصحیح امین محمد عبدالوهاب، محمد الصادق البعیدی، بیروت- لبنان، دارا الاحیاء للتراث العربی، مؤسسه التاریخ العربی، الطبعه الاولی، ١٤١٦ هق.

۱۹. ابن نباته مصری ابی بکر، جمال الدین(م٧٦٨ هق)، سرح العیون فی شرح رسالهٔ ابن زیدون، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، منشورات المکتبه العصریه، صیدا -الطبعه، ١٤١٩ هق.

۲۰. ابن ندیم ابی الفرج محمد بن ابی یعقوب إسحاق (م۳۸۰ق)، الفهرست، شرح و تعلیق: الدکتور یوسف علی طویل، فهرست گذار: احمد شمس الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت- لبنان، الطبعه الاولی، ١٤١٦ هق.

۲۱. ابو طیب، عبدالواحد بن علی اللغوی(م۳٥۱ق)، مراتب النحویین، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، المکتبه العصریه، صیدا - بیروت، الطبعه الاولی، ١٤٣٠ هق.

۲۲. ابو نعیم احمد بن عبدالله الاصبهانی، ذکر اخبار اصبهان، طبع فی مدینه لیدن المحروسه بمطبعه بریل، ١٩٣٤ م.

۲۳. ابی الحسن سعید بن مسعده(الاخفش)، کتاب العروض، تصحیح: احمد محمد عبدالدائم، المکتبهٔ الفیصلیهٔ، مکتبهٔ المکرمهٔ، ١٤٠٥ق.

۲٤. ابی الفتح عثمان بن جنی(م۳۲۹ق)، الخصایص، تحقیق: محمد علی نجار، عالم الکتاب للطباعهٔ والنشر والتوزیع، بیروت ـ لبنان، الطبعهٔ الاولی،١٤٢٧ هق.

۲٥. ابی الفتح عثمان بن جنی(م۳۹۲ق) مختصر العروض والقافیه، تحقیق ومقدمه: قیس العطار، موسسه التاریخ العربیه، للطباعه والنشر والتوزیع، بیروت– لبنان، بی‌تا.

۲٦. ابی الفتح عثمان بن جنی(م۳۹۲ق)، اللمع فی العربیه، تحقیق: الدکتور سمیع ابومُغلی، عمان: دار مجدولای للنشر، ۱۹۹۸ م.

۲۷. ابی الفتح عثمان بن جنی(م۳۹۲ق)، المنصِف، شرح لِکتاب التصریف، للامام ابی عثمان المازنی البصری (۲٤۷ هق) تحقیق و تعلیق: محمد عبدالقادر احمد عطا، منشورات محمد علی بیضون دارالکتاب العلمیه، بیوت– لبنان، الطبعهٔ الاولی ۱٤۱۹ هق.

۲۸. ابی الفتح عثمان بن جنی(م۳۹۲ق)، سرصناعهٔ الاعراب، تحقیق: محمد حسن محمد حسن اسماعیل واحمد رشدی شحاته عامر، دارالکتب العلمیه محمد علی بیضون، بیروت ـ لبنان، الطبعهٔ الثانیه،١٤٢٨ هق.

۲۹. ابی الفدا، عمادالدین اسماعیل(م۷۳۲ ق)، المختصر فی اخبارالشر، دارالمعرفه، بیروت– لبنان، بی‌تا.

۳۰. ابی الفداء الحافظ ابن کثیر(م ۷٤۷ ق)، البدایه والنهایه، دارالفکر، بیروت– لبنان، الطبعه، ١٤٠٢ هق.

۳۱. احمد امین، ضحی الاسلام، دارالکتب العربی، بیروت ـ لبنان، الطبعهٔ الثالثه، بی‌تا.

۳۲. احمد امین، ظهرالاسلام، دارالکتب العربی، بیروت ـ لبنان، الطبعهٔ الثالثه، بی‌تا.

۳۳. اسدی ابی‌العباس احمد بن علی النجاشی‌الکوفی(م٤٥٠ق)، رجال نجاشی،

تحقیق محمد جواد نائینی، دارالاضواء بیروت، چ ۱، ۱۴۰۸هق.
۳۴. اصفهانی، مفضل بن سعدبن الحسین المافروحی، محاسن اصفهان ویلیها رسالة الارشاد فی احوال الصاحب الکافی اسماعیل بن عباد، تصحیح: جلال الدین الحسینی الطهرانی، تهران، مطبعه المجلس العلی، مطبعه الاولی، ۱۳۱۲ ق.
۳۵. امین سید محسن ، اعیان الشیعه، تحقیق و تخریج: حسن الامین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ هق.
۳۶. امینی نجفی، عبدالحسین‌احمد، الغدیر فی الکتاب والسنة والادب، دارالکتب العربی، بیروت– لبنان، الطبعه الرابعه، ۱۳۹۷ هق.
۳۷. بخاری جعفی أبو عبدالله محمد بن إسماعیل بن إبراهیم، التاریخ الکبیر، تحقیق: السید هاشم الندوی، دارالفکر، بی‌جا ، ۱۳۸۲هق.
۳۸. بستانی معلم بطرس ، عفی عنه، دایرة المعارف قاموس عام لکل فن و مطلب، دارالمعرفه، بیروت ـ لبنان، بی تا.
۳۹. بغدادی ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله الحموی الرومی (م۶۲۶ق)، معجم الادباء، دار النفائس– الریاض دار احیاء التراث العربی، بیروت– لبنان، بی‌تا.
۴۰. بکری اندلسی أبو عبید عبد الله بن عبد العزیز بن محمد(م ۴۸۷ق)، سمط اللآلی فی شرح أمالی القالی، نسخه وصححه ونقحه وحقق ما فیه واستخرجه من بطون دواوین العلم: عبد العزیز المیمنی، دار الکتب العلمیة، بیروت ـ لبنان، بی‌تا.
۴۱. ابن حجرعسقلانی ابی الفضل احمدبن علی(م۸۵۲ ق)، لسان المیزان، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت– لبنان، الطبعه الثانیه، ۱۳۹۰ ق.
۴۲. بیرونی ابو الریحان محمد بن احمد(م۴۴۰ق)، تحقیق ما للهند من مقولة مقبوله فی العقل أو مرذوله، عالم الکتاب للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت ـ لبنان، الطبعة الاولی ،۱۴۲۹ هق.

٤٣. مدرس تبریزی، میرزا محمدعلی، ریحانهٔ الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب، تهران -ایران، چ ۲؛ ۱۳٦۹ ش.
٤٤. طهرانی اغابزرگ(م۱۳۸۹ق)، طبقات اعلام الشیعه نوابغ الرواهٔ فی رابعهٔ المئات، تحقیق ولده: علی نقی منزوی، دارالکتب العربی، بی‌جا،الطبعه الاولی،۱۳۹۰ هق.
٤٥. ثعالبی ابی منصور عبدالملک بن اسماعیل(م٤۲۹ق)، یتیمهٔ الدهر فی محاسن اهل العصر، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، دارالفکر، بی‌تا بی‌جا.
٤٦. جاحظ ابی عثمان عمروبن بحربن محبوب (م ۲۵۵ق)، الرسائل الأدبیة، مقدمه و تبویب از دکتور علی بولحم، دارو مکتبة الهلال، بیروت، الطبعة الاخیره، ۱٤۲۳ هق.
٤٧. جاحظ ابی عثمان عمروبن بحربن محبوب(م ۲۵۵ق)، الرسائل السیاسیة، دارو مکتبة الهلال، بیروت، الطبعه الثانیه، ۱٤۲۳ هق.
٤۸. جمحی محمدبن سلام(م۲۳۱ق)، طبقات الشعرا، مع تمهید للناشرالالمانی جوزف هل، دارالکتب العلمیه، بیروت - لبنان، الطبعه الثانیه،۱٤۰۸ ق.
٤۹. جوهری ابی نصراسماعیل بن حماد (م۳۹۳ق)، الصحاح، المسمی تاج اللغهٔ و صحاح العربیه، تحقیق: شهاب الدین ابو عمرو، دارالفکر للطباعهٔ والنشر والتوزیع، الطبعه الاولی، ۱٤۱۸ هق.
۵۰. حرعاملی، محمد بن الحسن (م ۱۱۰٤ ق) امل الامل، تحقیق: السید احمد الحسینی، ایران– قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۳٦۲ هش.
۵۱. حسینی افطسی امین الدوله محمد بن محمد بن هبهٔ الله(م ۵۱۵ق)، المجموع اللفیف، مختارات تراشیهٔ فی الادب والفکر والحضارهٔ؛ تحقیق: الدکتور یحی وهیب الجبوری، دارالغرب الاسلامی، الطبعه الاولی ۱٤۲۵ هق، بی‌جا.
۵۲. حمزهٔ الاصفهانی(م۳٦۰ ق)، التنبیه علی حدوث التصحیف، تحقیقی: محمد اسعد طلیس، مراجعه: اسماء الحمصی و عبدالمعین الملوحی، دمشق، ۱۳۸۸ ه.

٥٣. حميری اليمنی نشوان بن سعيد(م ٥٧٣ ق)، الحور العين، كمال مصطفى، مكتبة الخانجی، القاهرة، ١٩٤٨ م.
٥٤. خضرموسى محمدحمّود، النحو و النحاة، عالم الكتب للطباعة والنشر و التوزيع، بيروت - لبنان، الطبعة الاولی،١٤٢٣ هق.
٥٥. خطيب بغدادی ابی بكر احمد بن علی(م٤٦٣ ق)، تاريخ بغداد او مدينة السلام منذ تاسيسها حتی سنه ٤٦٣، دارالكتب العلميه، بيروت– لبنان، بی‌تا.
٥٦. خلوصی، صفا: فن تقطيع الشعری والقافيه، قم فاروس، ١٣٤٥ق=١٣٩٣ش.
٥٧. خليفه شوشتری، محمد ابراهيم، الجامع فی العروض العربی بين النظرية والتطبيق، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران، ١٣٨٧ ش.
٥٨. دكتر ابراهيم خليفه شوشتری، علم العروض بين الاصالة والهجنة، مجله الجمعية العلمية الايرانيه و ادابها، شماره ١٢ پایز ١٣٨٨ شمسی.
٥٩. الدَّلْجی المصری أحمد بن علی بن عبد الله(م ٨٣٨ ق)، الفلاكة والمفلوكون، مطبعة الشعب، مصر،١٣٢٢ هق.
٦٠. دهخدا علی اكبر (١٣٣٤ هش)، لغت نامه؛ دانشگاه تهران، ١٣٨١ هش.
٦١. رازی التميمی أبو محمدعبد الرحمن بن أبی حاتم محمد بن إدريس، الجرح والتعديل، دار إحياء التراث العربی - بيروت، الطبعة الأولی،١٢٧١ هق.
٦٢. زبيدی الحسينی السيد محمد مرتضی (م١٢٠٥ق)، تاج العروس من جواهرالقاموس، تحقيق: ابراهيم الترزی، والدكتور عبدالعزيز ماطر، دارالاحياء التراث العربی، الطبعه، ١٢٩٠ هق.
٦٣. زمخشری ابی القاسم جارالله محمود بن عمربن محمد بن عمر الخوارزمی(م٥٣٨ ق)، القسطاس المستقيم فی علم العروض، تحقيق و تعليق وحواشی:

الدکتور بهجه باقر الحسینی، مقدمه: کمال ابراهیم و صفا خلوصی، مکتبهٔ الاندلس، عراق، بغداد، مطبعهٔ النعمان- النجف الاشرف، ۱۳۸۹ق.

٦٤. سامری، فاضل صالح، ابن جنی النحوی، دار عمار للنشر والتوزیع، عمان، الطبعهٔ الثالثه، ۱٤۳۰ هق.

٦٥. سراج محمد علی، اللباب فی قواعد اللغهٔ وآلات الادب، النحو والصرف والبلاغه والعروض واللغه والمثل، تنقیح: خیرالدین شمسی باشا، دار الفکر بدمشق، الطبعه الاولی، ۱٤۰۳ هق.

٦٦. سیرافی ابی سعد الحسن بن عبدالله (م۳٦۸ق)، اخبارالنحویین البصریین، اعتنی بنشره و تهذیبه افقر عبادلله: فرینس کرنکو، خزانهٔ الکتب العربیه، بیروت: المطبعهٔ الکاثولیکیه،۱۹۳٦ م.

٦۷. سیوطی ابی بکر جلال الدین (م۹۱۱ق)، بغیهٔ الوعاهٔ فی طبقات اللغویین و النحاهٔ، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالفکر، بی‌جا، الطبعه الثانیه،۱۳۹۹ هق.

٦۸. سیوطی عبدالرحمن بن ابی بکر، جلال الدین(م۹۱۱ ق)، المزهر فی علوم اللغه وانواعها، شرح و تعلیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، محمد جادالمولی بک، علی محمدالبجاوی، المکتبه العصریه، صیدا - بیروت، الطبعه الاولی، ۱٤۲٥ هق.

٦۹. شوشتری قاضی نورالله(م۱۰۱۹ق)، مجالس المؤمنین، کتاب فروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ هش.

۷۰. شوقی ضیف أحمد شوقی عبد السلام ضیف (م۱٤۲٦ق)، المدارس النحویهٔ، دارالمعارف، بی تا.

۷۱. صاحب بن عباد، الاقناع فی العروض و تخریج القوافی، تحقیق: محمد حسین ال یاسن، منشورات المکتبهٔ العلمیه، بغداد طبع۱، ۱۳۷۹ق.

۷۲. صاحب بن عباد، کافی الکفاهٔ، اسماعیل بن عباد(م ۳۸٥ ق)، المحیط فی اللغهٔ،

عالم الكتاب، الطبعه الاولی (١٤١٤ ق)، بیروت- لبنان، تحقیق: محمد حسن آل یاسن.
٧٣. صاحب، اسماعیل بن عباد، دیوان الصاحب، تحقیق: شیخ محمد ال یاسین، موسسه قائم ال محمد(عج)، قم، چ٣، ١٤١٢ق.
٧٤. صبحی، الصالح، دراسات فی فقه اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت- لبنان، الطبعه، ٢٠٠٩ م.
٧٥. صدر، السید حسن، الشیعه و فنون الاسلام، دارالمعرفه للطباعهٔ والنشر، بیروت- لبنان، بی‌تا. ومطبوعات النجاح بطهران، تقدیم: دکترسلیمان دنیا، مطبعهٔ العرفان، صیدا ،١٣٣١ هق.
٧٦. صفدی، خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات، تحقیق هلموت ریتر، بیروت، لبنان، دار النشر فرانز شتاینر، بی تا.
٧٧. صلاح الدین خلیل بن ایبک الصفدی(م٧٦٤ق)، الوافی بالوفیات، باعتناء محمد الحُجَری، النشرات الاسلامیه اسسها هلموت ریتر، یُصدرها لجمعیهٔ المستشرقین الالمانیه، مطابع دار صادر - بیروت، الطبعه الثانیه، ١٤١١ هق.
٧٨. صنعانی الشریف ضیاء الدین یوسف بن یحی الحسنی الیمنی(م١١٢١ق)، نسمهٔ السحر بذکر من تشیع و شعر، تحقیق: کامل سلمان الجبوری، دارالتراث العربی، بیروت- لبنان، الطبعه الاولی، ١٤٢٠ هق.
٧٩. طباطبایی السیدمحمدالمهدی بحرالعلوم (م١٢١٢ق)، رجال سید بحرالعلوم (المعروف بالفوائد الرجالیه)، تحقیق: محمد صادق و حسین بحرالعلوم، مکتبه الصادق، تهران- ایران، الطبعه الاولی، ١٣٦٣ هش.
٨٠. طوسی ابی جعفر محمد بن الحسن (م٣٨٥ق)، کتاب الخلاف، موسسه النشر الاسلامی، تحقیق: سید علی خراسانی، سید جواد شهرستانی، مهدی نجف، التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، الطبعه الجدیده، ١٤٠٩ ق.

۸۱. طوسی ابیجعفرمحمد بن الحسن بن علی(م٤٦٠ق) الامالی الشیخ الطوسی، منشورات مکتب، الداوری، ایران، قم، بی تا.

۸۲. طوسی، خوجه نصر، معیار الاشعار تصحیح واهتمام: دکتر جلیل تجلیل. نشر جامی، پاییز۱۳٦۹ش.

۸۳. عتیق، عبدالعزیز، علم العروض والقافیه، دارالنهضۀ العربیۀ، بیروت- لبنان، بیتا.

۸٤. عسکری ابو هلال، حسن بن عبد اللّه بن سهل (م ۲۹۵ق)، الأوائل، دار البشیر، طنطا، مطبعه الاولی، ۱٤۰۸ هق.

۸۵. فراهیدی الخلیل بن أحمد(م۱۷۵ق)، العین، تحقیق: مهدی المخزومی، إبراهیم السامرائی، دار مکتبة الهلال، بی تا.

۸٦. فیروزابادی، مجد الدین محمد بن یعقوب(م۸۱۷ق)، القاموس المحیط، دارا احیاء التراث العربی، بیروت- لبنان، الطبعه الاولی، ۱٤۱۲ هق.

۸۷. فیروزابادی؛مجد الدین محمد بن یعقوب(م۸۱۷ق)، البُلغه فی تاریخ ائمۀ اللغه، تحقیق: محمد المصری، منشورات وزارت الثقافه، دمشق، ۱۳۹۲ هق.

۸۸. قفطی ابی الحسن، الوزیر جمال الدین بن یوسف(م٦۲٤ق)، إنباه الرواۀ علی أنباه النحاۀ، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، المکتبه العصریه، صیدا - بیروت، لبنان، الطبعه الاولی، ۱٤۲٤ هق.

۸۹. قمی ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه المعروف بالصدوق (۳۸۱ هق)، الامالی اوالمجالس، منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت- لبنان، الطبعه الخامسه، ۱٤۱۰ هق.

۹۰. قمی الشیخ عباس(م۱۳۵۹ق)، سفینۀ البحار ومدینه الحِکم والاثار مع تطبیق النصوص والواردۀ فیها علی بحار الانوار، دار الاسوه للطباعۀ والنشر، ایران، الطبعه الثانیه، ۱٤۱٦ هق.

٩١. قیروانی الأزدی أبی علی الحسن بن رشیق(م٤٦٣ق)، العمدة فی محاسن الشعر وآدابه و نقده، تحقیق الدكتور عبد الحمید هنداوی، المكتبه العصریه، صیدا - بیروت، الطبع، ١٤٢٤ هق.
٩٢. مامقانی، عبدالله(م ١٣٥٢ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق: محی الدین و محمد رضا مامقانی، موسسه ال البیت (ع) لاحیاء التراث، قم- ایران، الطبعه الاولی، ١٤٢٣ ق.
٩٣. مبرد أبو العباس محمد بن یزید(م ٢٨٥ هق)، الكامل فی اللغۀ والادب، تحقق: محمد أبو الفضل إبراهیم، دار الفكر العربی - القاهرة، الطبعة الثالثة، ١٤١٧ هق.
٩٤. مبرد، ابی العباس محمد بن یزید الفاضل، تحقیق: عبدالعزیز المیمنی، رئیس القسم العربی بجامعه كراتشی بالباكستان، داراالكتب المصریه، القاهره مطبعه دارالكتاب، ١٣٧٥ هق.
٩٥. مجلسی محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدُرر أخبار الائمه الاطهار، موسسه الوفا، بیروت - لبنان، الطبعه الثانیه المصححه، ١٤٠٣ هق.
٩٦. مخزومی مهدی، الخلیل بن احمد الفراهیدی، اعماله و منهجه، ساعدت وزارۀ المعارف علی نشره، مطبعه الزهراء- بغداد، ١٩٦٠ م.
٩٧. مخزومی مهدی، الفراهیدی، عبقری من البصره، وزارۀ الثقافه والاعلام، بغداد دار الشؤن الثقافه العامه، الطبعه الثانیه،١٩٨٩ م.
٩٨. مرزُبانی، ابی عُبیدالله محمدبن عِمران، نورالقبس المختصر من المقتبس فی اخبار النحاۀ والادباءِ والشعراءِ والعلماء، اختصار: ابی المحاسن یوسف بن احمد بن محمود الحافظ الیغمُوری، تحقیق: رُدولف زلهایم، یطلبُ من دار النشر فرانتس شتاینر بقیسبان، ١٣٨٤ هق.
٩٩. الموسوعۀ العربیۀ العالمیه، مؤسسه اعمال الموسوعۀ للنشر والتوزیع، المكتبۀ

العربيهٔ السعوديه، الرياض، الطعبه الثانيه، ١٤١٩ هق.
١٠٠. موسوی الشريف الرضی، ابوالحسن محمد بن ابی احمد الحسين الطاهر، الرضی، ديوان الشريف الرضی، دار بيروت، للطباعه والنشر، بيروت - لبنان، الطبعه،١٤٠٣ ق.
١٠١. موسوی خوانساری اصفهانی، محمدباقر(م١٣١٣ق)، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، الدار الاسلاميه، بيروت، الطبعهٔ الاولی،١٤١١ هق/١٩٩١ م.
١٠٢. نعيمی، حسام، الدراسات اللهجيهٔ والصوتيهٔ عند ابن جنی، دارالرشيد للنشر، منشورات وزارهٔ الثقافهٔ والاعلام الجمهوريهٔ العراقيهٔ؛ طباعه: دارالطليعهٔ- بيروت، طبعه١٩٨٠م.
١٠٣. نگری الاحمد، عبدالنبی بن عبدالرسول جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون الملقب بدستور العلما، منشورات الاعلمی للمطبوعات، بيروت- لبنان، الطبعه الثانيه، ١٣٩٠ هق.
١٠٤. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحديث، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسين،قم،چ ١؛ ١٤٢٤ق.
١٠٥. نووی ابی زکريا، محی الدين بن شرف (م٦٧٦ق)، تهذيب الاسماء واللغات، تصحيح و تعليق: شرکهٔ العلما بمساعدهٔ ادارهٔ الطباعهٔ المنيريهٔ بمصر. بی‌تا.
١٠٦. هاشمی السيدأحمد (م١٣٦٢ق)، ميزان الذهب فی صناعهٔ شعرالعرب، ضبط و تعليق: عطاء الدين عطيه، دارالبيروتی للطباعه والنشر، الطبعه الاولی،١٩٩٦ م.
١٠٧. هاشمی، السيد احمد، جواهر الادب فی ادبيات و إنشاء لغهٔ العرب، تحقيق: الدکتور يوسف الصميلی، المکتبهٔ العصريه، صيدا- بيروت، الطبعه الاولی، ١٤٢٥ هق.
١٠٨. يافعی اليمنی المکی ابی محمد عبدالله بن اسعد بن علی بن سليمان (م٧٦٨ق)، مرأهٔ الجنان و عبرهٔ اليقضان فی معرفهٔ ما يُعتبر من حوادث الزمان، محشی: خليل

المنصور، دارالكتب العلميه، بيروت ـ لبنان، الطبعه الاولى،١٤١٧ هق.

۱۱ـ نقش خلیل بن احمد فراهیدی در بحور پانزده گانه عروضی

کمال انصاری‌پور[۱]

محمد جنتی فر[۲]

چکیده

تصوّر آن که دانش های ادبی عرب وام دار غیرشیعیان باشد، تصوّری غیر واقع بینانه است. دانشمندان زیادی را می یابیم که پیرو اهل بیت: بوده‌اند و سخنانشان در فنون مختلف، مأخذ و مدرک قلمداد می شود. از جمله آن‌ها «ابوعبدالرحمان خلیل بن احمد فراهیدی» پایه گذار دانش «عروض» است. خلیل بن احمد فراهیدی که او را اندیشمندی ایرانی تبعه عمان دانسته‌اند، سمت استادی سیبویه را دارد. همو که امالی خلیل بن احمد را با هنر خویش تحریر و تبویب نمود و آنها را در کنار افکار و آراء خویش که گاه مخالف نظر استاد نیز بود قرارداد و به آنها انسجام و کمال بخشید.مقالة حاضرکه به شیوة توصیفی – تطبیقی به رشتة تحریر در آمده در پی آن است که ضمن معرفی خلیل بن احمد به بیان اندیشه‌های ایشان و تأثیر گذاری آن در بحور پانزده گانة عروضی بپردازد.

کلیدواژه‌ها: شیعه، علوم اسلامی، ادبیات عرب ، عروض، خلیل ابن احمد، نقش.

مقدمه

خلیل بن احمد فراهیدی ، عالم نحو و لغت عرب و واضع علم عروض عربی است. او در

---

۱. دانشجوی دکترای دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (نویسنده مسئول)، kamalansaripour@yahoo.com .

۲. عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.